شهرآرا

SHAHRARANEWS.IR

شنبه

سال هفدهم
۳ آبان ۱۴۰۴
۳ جمادی‌الاول ۱۴۴۷
شماره ۴۶۰۹

Mashhadchehreh.ir
Photoshahr.ir

سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

● روزنامه
فرهنگی- اجتماعی- اطلاع‌رسانی
● صاحب امتیاز
شهرداری مشهد
● مدیرمسئول
سید میثم موسوی‌مهر
● سردبیر
سید سجاد طلوع هاشمی
● نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵
● دفتر مرکزی
۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵
● نمابر
۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴
● روابط عمومی
۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲
● شماره پیامک
۳۰۰۰۷۲۸۹

اوقات شرعی مشهد

● اذان ظهر	۱۱:۱۵:۳۴	● غروب آفتاب	۱۶:۴۳:۰۴	● اذان مغرب	۱۷:۰۱:۴۶
● نیمه شب شرعی	۲۲:۳۳:۱۰	● اذان صبح فردا	۰۴:۲۴:۰۸	● طلوع آفتاب فردا	۰۵:۴۹:۰۱

حدیث

امام باقر(ع):
سکوتِ ادب‌آموخته، نزد خدا برتر از تسبیح نادان است.
أعلام الدین: ۹۶

اول شخص

معمار دستگاه عدالت

یادی از حسن پیرنیا، ملقب به «مشیرالدوله» نخست‌وزیر احمدشاه که در اعتراض به واگذاری اعطای امتیاز راه‌آهن خرمشهر-خرم‌آباد به انگلیس در چنین روزی از وزارت استعفا کرد

مریم شیعه| صبح ۲۸ آذر ۱۲۷۸ است و حیاط مدرسه‌ای تازه‌ساز، میزبان مردانی است که با لباس‌های رسمی از راه می‌رسند. تابلو «مدرسه علوم سیاسی» بالای سردر چوبی آن آویزان است و جوانی با کلاه پهلوی تیره، دفترچه در بغل، لبه صف شاگردان ایستاده است و با لبخند محوی از سر رضایت، نگاهشان می‌کند. خودش هم نمی‌داند امروز چه نقطه عطفی را زندگی می‌کند. نمی‌داند باعث و بانی چه اتفاقی به وسعت ایران شده‌است. در میانه جمع رجال، ایستاده است و از اینکه بالاخره توانسته قدمی برای نظم و قانون بردارد، ته دلش راضی است. وقتی از او می‌خواهند چند کلمه‌ای حرف بزند، کاغذها را جابه‌جا می‌کند و در برابر چشم ده‌ها نفر از حقوق بین‌الملل می‌گوید. او درباره موضوعاتی حرف می‌زند که آینده ایران را در آن سوی مرزها روشن می‌کند. می‌خواهد از دل این مدرسه، دیپلمات‌هایی قد بکشند که بتوانند از حق ایران در برابر کشورهای دیگر دفاع مشروع کنند. فرمان مظفرالدین‌شاه که قرائت می‌شود، افتتاح رسمی مدرسه را اعلام می‌کند. از همان لحظه، اتاق‌های روشن مدرسه، جایی برای تمرین نگارش نامه‌های رسمی، ترجمه قوانین ملل دیگر و آشنایی با آیین‌های دولت‌داری می‌شود. مدرسه زیر چتر وزارت خارجه اداره می‌شود، معلمان از میان اهل قلم و قانون برگزیده می‌شوند و خودش پای تخته می‌ایستد تا حقوق بین‌الملل درس بدهد. کسی هنوز نمی‌داند که همین نهاد، سال‌ها بعد با مدرسه حقوق درهم می‌آمیزد و پایه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران می‌شود. بااین‌حال حس می‌کنند که ایران امروز، دولتی نوراتمرین می‌کند؛ دولتی که کارمند آموزش‌دیده دارد. نامه رسمی‌اش زبان معیار دارد و قانون را نه از شفاه، که از متن می‌خواند. این‌گونه است که مدرسه علوم سیاسی از دل تهران سربرمی‌آورد و نخستین کلاس رسمی سیاست ایران می‌شود.

قانون در قامت نهاد

از روسیه بازگشته است، اما بوی انقلاب ۱۹۰۵ در جانش مانده است. تهران در تب عدالتخانه می‌سوزد و او در کمیسیون تدوین نظام‌نامه عدالتخانه می‌نشیند. متن‌ها را می‌کاود، قانون‌های ملل را می‌خواند و مقایسه می‌کند. فرمان مشروطه صادر می‌شود و او متن را برای مردم قرائت می‌کند. بعد نوبت نظام‌نامه انتخابات و قانون اساسی است و نقش مترجم تطبیقی را بازی می‌کند. بندبه‌بند، تجربه فرانسه و بلژیک و روسیه را به زبان فارسی درمی‌آورد تا قانون اساسی ایران با منطق دموکراتیک عصر هماهنگ شود. کمی بعد، پایش به وزارت عدلیه باز می‌شود و او به جای وعظ، متن می‌نویسد. «قانون اصول تشکیلات عدلیه»، «قانون موقتی محاکمات حقوقی» که نخستین آیین دادرسی مدنی است و «قانون محاکمات جزایی» یا همان آیین دادرسی کیفری؛ همه و همه از آثار ماندگار اوست. برای عبور قانون از میدان‌های پرسنگلاخ، با سیدحسن مدرس همراه می‌شود. ترکیبی از عقل حقوقی و نفوذ فقهی یک روحانی صاحب‌اعتبار را به کار می‌گیرد و نتیجه همه تلاش‌هایش این می‌شود که رسیدگی قضایی از پراکندگی فتاوا به نظم آیین‌نامه‌ای می‌رسد. دادگستری صاحب تشکیلات می‌شود و حقوق شکلی وارد زبان فارسی حقوقی می‌گردد. سیاست خارجی هم از نگاه او صرفا عبور از مرزهای جغرافیایی نیست. در مقام وزیر خارجه، در برابر قرارداد ۱۹۰۷ روس و انگلیس، یادداشتی بی‌اعتبارکننده به سفارت بریتانیا می‌فرستد و در جنگ جهانی اول، بر بی‌طرفی اصرار می‌کند. همچنین در اعتراض به واگذاری امتیاز راه‌آهن محمره (خرمشهر)-خرم‌آباد به بریتانیا استعفا می‌دهد و این کناره‌گیری به‌عنوان نمونه‌ای برجسته از مخالفت رسمی با امتیازدهی به خارجی‌ها در کارنامه سیاسی او ثبت می‌شود. این‌ها همه کنار هم، پرتره کسی را می‌سازد که مشروطه را فقط شعار نمی‌بیند؛ آن را به آیین و رویه تبدیل می‌کند تا دولت قانون در ایران، شکل نهاد پیدا کند.

از نائین تا امامزاده صالح

«حسن پیرنیا» در سال ۱۲۵۰ خورشیدی در نائین زاده شد. پدرش میرزا نصرا... خان نائینی (مشیرالدوله) بود که بعدها این عنوان از پدر به پسر رسید. میرزا نصرا... نخستین رئیس‌الوزرای عصر مشروطه بود. حسن پیرنیا آموزش‌های مقدماتی را در مکتب گذراند و سپس برای تحصیل راهی روسیه شد. در مدرسه نظام و دانشکده حقوق مسکو درس خواند و زبان‌های روسی، انگلیسی و عربی را آموخت. نخستین تجربه دولتی‌اش به عنوان وابسته سفارت ایران در سن‌پترزبورگ رقم خورد. پس از بازگشت به تهران، در وزارت خارجه بالا آمد. مدرسه علوم سیاسی را بنیاد گذاشت و خود به تدریس حقوق بین‌الملل پرداخت. او طی سال‌های پرآشوب مشروطه، در دولت‌های گوناگون وزارت‌هایی چون امور خارجه، معارف و عدلیه را بر عهده گرفت. در چهار مقطع کوتاه، نخست‌وزیر ایران هم شد. در سیاست خارجی با نفوذ بیگانگان درگیر بود و در حوزه قضا، بنیان‌گذار حقوق شکلی مدرن ایران به شمار رفت. او علاوه بر سیاست، به تاریخ‌نگاری هم پرداخت و با نگارش «تاریخ ایران باستان» و نیز آثار تاریخی دیگر، بر جایگاهش در فرهنگ ایران افزود. پیرنیا به اعتدالیون نزدیک بود و در مجلس شورای ملی از تهران چند دوره نمایندگی کرد. در زندگی شخصی با شکوه اعظمی (دختر علاءالدوله) ازدواج کرد. از او هفت فرزند از جمله داوود پیرنیا که بعدها پدیدآور برنامه «گل‌ها» در رادیو بود برجا ماند. حسن پیرنیا پس از دو سال بیماری، در ۲۹ آبان ۱۳۱۴ در تهران درگذشت و در مقبره خانوادگی در امامزاده صالح تجریش به خاک سپرده شد. نامش امروز در تاریخ مشروطه، در دانشکده‌های حقوق و علوم سیاسی و در فرهنگ حقوقی کشور به عنوان معماری که آیین را به دستگاه عدالت بخشید، زنده مانده است.

کتاب «تاریخ ایران قبل از اسلام» به قلم مرحوم پیرنیا، مجموعه‌ای فشرده از تاریخ باستان ایران را تا قبل از ظهور اسلام در این سرزمین شامل می شود. این کتاب که در ۴۶۳ صفحه، به همت نشر «پارمیس» منتشر شده است یکی از موثق‌ترین و مدون‌ترین کتب تاریخی ایران است زیرا که کمتر پژوهشگری توانسته است همچون پیرنیا از پس چنین پروژه سنگینی در گردآوری و توصیف تاریخ ایران باستان بر بیاید.

تقویم تاریخ

۳ آبان

۳ آبان سالروز درگذشت **ابوالقاسم حالت**، شاعر و طنزپرداز فقید کشورمان است. او کسی است که نخستین سرود ملی ایران را پس از انقلاب اسلامی ایران نوشته است. شعری با نام «پاینده بادا ایران» که محمد بیگلری‌پور، آهنگ‌ساز آن است.

سازمان ملل متحد، در ۲۴ اکتبر سال ۱۹۴۵ بنیان‌گذاری شد. در سال ۱۹۴۷، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، این تاریخ را به عنوان **روز ملل متحد** نام‌گذاری کرد. هرچند وجود چنین روزی در تقویم جهانی اتفاقی تحسین‌برانگیز است، اما خوب می‌دانیم که این سازمان تاکنون در برابر جنایت‌های بسیاری سکوت کرده و از پس مقابله با کودک‌کشی‌های رژیم صهیونی برنیامده است.

امروز **روز جهانی هنرمند** است. کریس مک‌کلور، نقاش کانادایی ۲۵ ماه اکتبر را به نام روز هنرمند پیشنهاد داد. با نام‌گذاری روز هنر به توصیه کریس مک‌کلور این روز را بیشتر به عنوان نقاش‌ها می‌شناسند زیرا پابلو پیکاسو نقاش و مجسمه‌ساز معروف اسپانیایی در ۲۵ اکتبر به دنیا آمده است.

عکس روز

پاییز «باغ مشهد»

نام جشنواره‌اش «عطر و طعم پاییز» است، جایی که هرکسی این روزها گذرش به بولوار جمهوری اسلامی مشهد و آنجا بیفتد، بی‌شک دست به دوربین می‌شود و با عزیزان و خانواده‌اش عکس یادگاری می‌گیرد. در این جشنواره که به همت کارکنان شهرداری مشهد برپا شده، بساط بیش از ۲۰۰هزار گل به همراه امکانات تفریحی و بازی برای کودکان با حال و هوای پاییزی پهن است.

عکس: شیرین قائمی/ شهرآرا

کوچه

وقت دعوا نیست!

غلامرضا بنی‌اسدی
روزنامه‌نگار

با چراغ روشن و سرعت تمام داشت خودروهای لاین خود را جا می‌گذاشت و پیش می‌رفت آن هم در لاین دیگر در جاده دوطرفه. آن‌ها که از روبه‌رو می‌آمدند مدام بوق می‌زدند و چراغ می‌دادند و در نهایت به سمت شانه خاکی می‌کشیدند تا برخوردی اتفاق نیفتد. راننده را که متوقف کردند و چرایی این کار پرخطر را پرسیدند گفت: خسته شدم از بس مجبور بودم پشت دیگر خودروها با سرعت پایین حرکت کنم. گفتم هرچه باداباد، سبقت می‌گیرم. البته به خیر گذشت این بار، اما فراوان اتفاق افتاده که رفتاری چنین، خودرو را شاخ به شاخ تریلی کرده و حتی یک شاخه کوچک هم بر نهال زندگی نگذاشته است. این روزها که فضای سیاسی کشور را رصد می‌کنم می‌بینم مثل این راننده بی‌محابا، کم نیستند. انداخته‌اند در لاین مخالف و باسرعت می‌گازند. این دعواهای حیدری‌کش و نعمتی‌سوز که می‌بینیم مثال مشخص این سبقت بیجاست. گاه وارد لاین حریم خصوصی افراد هم می‌شویم. نمی‌دانیم انگار و نمی‌خواهند بدانند انگار برخی‌ها که دعوا، توان فرساست. زلزله در روح و روان ایجاد می‌کند. هر دو طرف یا همه چند طرف دعوا، فرسوده می‌شوند. حتی کسی که فکر می‌کند برنده است، وقتی پیراهن خود را کنار زند جای زخم‌های متعدد را بر جسم و جان خود خواهد دید. خاصیت دعوا در عین زدن، خوردن هم هست. حالا اینکه چه نسبتی شکل بگیرد، چیز دیگری است. شاید کسی که فکر می‌کند بیشتر زده، بعدا که حساب کند خود را مغبون ببیند. وقتی صفحات حادثه را بخواند بگوید کاش اصلا وارد ماجرا نمی‌شدم. کاش نادیده و ناشنیده می‌گرفتم. اما... اما این کاش از جمله سترون‌ترین کلماتی است که هرگز ثمری نخواهد داشت. یک امای دیگر هم در میان است و آن اینکه امروز وقت وزن‌کشی سیاسی نیست چه رسد به دعواهای حیثیتی. زمانی که یک دشمن مشترک، دندان‌های خود را سوهان می‌کشد و ما را به جنگ وجودی تهدید می‌کند چه وقت دعواهای این چنینی است؟ چه زمان توهین و تهمت و جداسازی‌هاست؟ نمی‌دانید که خصم با رسمِ ما کار دارد؟ می‌خواهد تیغ به ریش بکشد چه بر صورتِ این باشد یا آن. فرصت بیابد، یک به یک موها را تارکن خواهد کرد. فرقی نمی‌کند صورت چه کسی زخم برمی‌دارد. یکی به صدای بلند به اصحاب دعوا بگوید آنکه تیشه برداشته با ریشه کار دارد که در خاک ایران است. به کمرشکن کردن درخت قناعت نخواهد کرد تا پاجوشی جای آن را بگیرد، خاک را خواهد کاوید و ریشه‌ها را یک به یک خواهد خشکاند حتی اگر لازم باشد برای یافتن ریشه‌ها همه خاک را غربیل کند، این کار را می‌کند تا تارهای رسته بر ریشه‌ها را هم بخشکاند. ما اگر دل از ملک و ملت هم بریده باشیم و صرفا به خود هم فکر کنیم باز عقل حُکم می‌کند گره از ابرو باز کنیم، دست به سوی هم دراز کنیم نه اینکه دست دشمن باشیم در دریدن یقه همدیگر. دعوا برای خصم عِده و عُده درست می‌کند. قهر و کینه، خشاب او را پر می‌کند. بفهمیم زمان را. بفهمیم که وقتِ دعوا نیست.

شوخی بی‌شوخی

رفتن اینترنت بهتر است یا رفتن برق؟

مهدی محمدی
طنزپرداز

مدت‌هاست حرف از ناترازی آب و برق و گاز در کشور زیاد شنیده می‌شود که اخیرا صحبت‌ها به اینترنت هم کشیده شد و وزیر ارتباطات گفت: باید حرف اپراتورها را درباره گرانی اینترنت شنید تا در حوزه ارتباطات هم با مشکل ناترازی روبه‌رو نشویم.
اگرچه تابستان پر از خاموشی امسال، کلمه ناترازی را برای ما ترسناک کرده بود، اما به نظر می‌رسد در مورد اینترنت، تحمل ناترازی به دلایل زیر راحت‌تر باشد:

دلیل اول: وقتی برق‌ها قطع می‌شد خیلی دستمان برای جایگزین کردن باز نبود. مثلا نمی‌توانستیم یخچالمان را زیر بغلمان بزنیم و ببریم جایی که برق داشته باشد، اما درباره اینترنت قضیه فرق دارد. اگر اینترنت قطع شود، یا ضعیف شود، خیلی راحت می‌توانیم با گوشی‌مان برویم یک جای دیگر که اینترنت داشته باشد تا بتوانیم خودمان را با این ناترازی، تراز کنیم.
دلیل دوم: از اولین کیلوبایت اینترنتی که وارد کشور شده است، ما با قطع و وصل شدن اینترنت و سرعت کمش زندگی کرده‌ایم و با گوشت و پوست و استخوان و اعصابمان قطعی اینترنت را به صورت ملموس حس کرده‌ایم. لذت عادت به قطع اینترنت، راحت‌تر از عادت کردن به خاموشی برق است که فقط چند سالی است مهمان خانه‌هایمان شده است.
دلیل سوم: وقتی اینترنت نباشد، بیشتر کسانی که خیلی به آن وابسته هستند و سرشان توی گوشی است اذیت می‌شوند، اما قطعی برق، با گرمای طاقت‌فرسایش، همه را ناراحت می‌کرد و جامعه آماری آدم‌های دلخور از قطعی آن، خیلی زیاد بود.
دلیل چهارم: زمان خاموشی، کلیه مسئولان می‌گفتند چاره‌ای نداریم جز اینکه چند برابر قبل مازوت بسوزانیم تا خاموشی‌ها کم شود، اما برای رفع ناترازی اینترنت نیازی به مازوت سوزاندن و ریه ملت را سوراخ کردن! نیست.
دلیل پنجم: در زمان قطعی اینترنت می‌توان به تماشای برنامه‌های غیرتکراری، غیرکسل‌کننده و غیربیخود تلویزیون بپردازیم؛ ویژگی کاملا جذابی که در زمان خاموشی مطلق برق، به‌کلی از ما سلب شده بود.
در پایان به وزیر ارتباطات که در سخنانش گفته است: «به خاطر جلوگیری از ناترازی باید اینترنت را گران کرد» باید عرض کنیم شما گران کنید، دنبال دلیل نگردید. این همه چیز بدون دلیل گران شد، خوب این هم گران شود!
اگر کسی هم به شما اعتراض کرد که چرا اینترنت گران شده است، خیلی راحت بگویید: مگر چیزی هم هست که گران نشده باشد؟

کارتون شهر

حسین نقیب

در حالی آگهی رهن یک ساله خانه‌های لاکچری با قیمت ۱۳ میلیارد تومان در مشهد منتشر می‌شود که با این پول می‌توان ۶ واحد آپارتمان در همین شهر خرید.

منبع: شهرآرا